

صاحب امتیاز: شهر داری مشهد

مدیر عامل موسسه شهر آرا: مجید خرمی

مدیر شهر آرا محله: مسعود نبی دوست

مستول شهر آرا محله منطقه ۱۰: فاطمه خلخالی استاد

تلفن دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱

تلفن دفتر شهر آرا محله منطقه ۱۰: ۰۱۰-۳۵۲۶۴۲۰ داخلی ۸

تلفن روابط عمومی: ۰۳۷۲۴۳۱۱۰

نمبر: ۰۳۷۲۳۸۳۱۰

شماره پیامک: ۰۳۰۰۷۲۸۹۰

دفتر مرکزی روزنامه شهر آرا: میدان شهدا، نبش دانشگاه یک

دفتر شهر آرا محله منطقه ۱۰: شریعتی ۴۵- اداره ناحیه ۲ شهر داری

پست الکترونیک: mahalle10@shahrara.com

تشکیل کارگاه آموزشی آسیب‌های اجتماعی در فرهنگ‌سرای خانواده



چهارشنبه | ۲۶ مهر ۱۳۹۶ | شماره ۲۶۵

داستان کوتاه

پایی برای رفتن

روشن - هنوز دو هفته ای مانده بود تا گنج پایش را باز کنند. روز شماری کرده بود این دوماه را و حال امی دانسته که به محض اینکه دوباره روی پایش بایستد، تصمیمش را عملی می‌کند؛ تصمیمی که روی تخت بیمارستان گرفته بود، همان موقع که از اتاق عمل آمده بود بیرون و داشت کم‌کم هوشیاری اش را به دست می‌آورد. مادرش بالای سرش ایستاده بود و سؤال‌های ریز و درشتی از او می‌پرسید. اشک می‌ریخت و گاهی هم سرزنشش می‌کرد: «چقدر گفتی ماضی نیستم موتور بخری...؟ هزار بار گفتم حامد، مادی افته تو کله‌ت، نمی‌فهمی چطور موتورسواری می‌کنی... چطور شد که ماشین بهت زد؟... خدا رحم کرد بهمون...». بی‌حسی داشت اثر خودش را از دست می‌داد و حامد درد پایش را حس می‌کرد. رویه مادرش گفته بود: «تورو خدا الان بی‌خیال شو! بعد بهت می‌گم...».

چشمانش را بسته بود و یادش آمده بود که وقتی اورژانس او را رسانده بود بیمارستان، چند ساعتی طول کشیده بود تا برای رفتن به اتاق عمل آماده شود. در همان حین از پرستارها شنیده بود که: «چند واحد خون لازم داره. بگین خونوادش براش خون تهیه کنن...».

می‌دانست پایش شکسته و خونریزی هم دارد، اما فکر نمی‌کرد آن قدری از پایش خون رفته باشد که نیازی به چند واحد داشته باشد. با خودش فکر کرد حالا مادرش چه کار می‌کند؟ به چه کس باید روبیندازد برای تهیه خون؟ می‌خواست فامیل و دوستان را در ذهنش بالاوپایین کند تا ببیند چه کسی ممکن است حاضر به این کار شود اما بیهوشی داشت اثر می‌کرد و ذهنش کم‌کم دچار خواب‌زدگی می‌شد. تنها چیزی که آن موقع از ذهن گذرانده بود، این بود که بعد از روبراه شدن حتماً برای اهدای خون به یکی از پایگاه‌ها مراجعه کند؛ کاری که تا به حال حتی یک بار هم انجام نداده بود.

■ ■ ■

بعد از عمل فهمیده بود کسی که به چند واحد خون نیاز داشته، بیمار دیگری بوده که هم‌زمان با او عمل داشته و همان طور که خودش تصور کرده بود، اونیزی به گرفتن خون نداشته. یک روز بعد، مرخص شده بود و وقتی برگشته بود خانه، تازه یاد تصمیمی افتاده بود که لحظات قبل از عمل گرفته بود. اولش با خودش گفت: «کسی که به من خون اهدا نکرده، الان هم ضعیف شده ام و خون دادن برایم خوب نیست...». اما روزهای بعد نتوانسته بود با خودش کنار بیاید. هرکدام از فامیل که به دیدنش می‌آمدند، دلش می‌خواست از آن‌ها بپرسد: «اگر مادرم به شما رومی‌زد، حاضر بودید برای دادن خون بیاید؟».

اما جلوی زبانش را می‌گرفت و سعی می‌کرد به همه خوش بینانه نگاه کند. لازم نبود با خودش کلنجار برود تا دوباره سر تصمیمش برگردد. به چهره مادرش که نگاه می‌کرد و نگرانی‌های او موقع عمل یادش می‌افتاد، فکر می‌کرد چرا تا به حال به فکر اهدای خون نیفتاده؟

الا دو هفته مانده بود تا راحت شدنش از سنگینی گچ و او مثل آدمی که باری بر دوشش مانده، دلش می‌خواست هر چه زودتر این روزها بگذرد تا او به عهدی که با خودش بسته بود، وفا کند.

شهید محله

از سردشت تا شلمچه



می‌گذشت که در عملیات کربلای ۵ و در منطقه شلمچه بر اثر اصابت ترکش به گوش و پهلویش به شهادت رسید. پیکرش در مشهد و گلزار شهدای خواجه اباصلت آرام گرفت. خانواده وی هم اکنون در قاسم آباد زندگی می‌کنند.

برگرفته از کتاب «شهادای شهرک رزمندگان»

غلام حسین هژبر و سکینه جاهدی در شامگاه دومین روز از شهر یورماه سال ۱۳۴۲ صاحب فرزندی به نام غلام حسن شدند. غلام حسن، کودکی خود را در زادگاهش روستای کاظم آباد فریمان گذراند. شش ساله که شد، مانند دیگر کودکان روستا در کارهای کشاورزی و دامداری به خانواده کمک می‌کرد.

او علاقه چندانی به تحصیل نشان نداد و پیشه پدر را در پیش گرفت تا به تأمین معاش خانواده کمک کند. در پانزده سالگی همراه دوستان کودکی اش، در راهپیمایی‌ها به شعار دادن علیه رژیم شاهنشاهی پرداخت. پنج سال بعد برای خدمت سربازی به غرب کشور اعزام شد. دو سال خدمت خود را در کردستان و سردشت به مبارزه با عوامل ضدانقلاب سپری کرد.

ساکنان آپارتمان‌ها موظفند در جهت رعایت حقوق هم‌جواری، به بعضی باید و نبایدها توجه و به آن‌ها عمل کنند:

- ۱- در مواقعی که کف آپارتمان، سنگ سرامیک یا چوب است و راه رفتن و کشیدن اجسام بر روی آن‌ها در طبقه پایین، صداهای نااهنجار ایجاد می‌کند، توصیه می‌شود حداقل ۸۰ درصد کف با قالی یا موکت پوشانده شود.
- ۲- استفاده هم‌زمان از وسایل برقی همانند اتو، ماشین لباس‌شویی و جوجه‌سرخ کن برقی موجب داغ شدن سیم‌ها شده و خطر آتش‌سوزی را افزایش می‌دهد. مدیران ساختمان باید فیلترهای داخلی آپارتمان‌ها و وضعیت تابلوهای برق داخل واحدها را حداقل یک‌بار در سال بازدید کنند. بارها مشاهده شده که فیلترهای داخلی دست‌کاری شده‌اند. در نتیجه هنگام افزایش بار الکتریکی، جریان برق قطع نمی‌شود و آتش‌سوزی، جان و مال تمام ساکنان را در معرض خطر قرار می‌دهد.
- ۳- اتومبیل، موتورسیکلت یا دوچرخه

فرهنگ شهر وندی

توصیه‌های آپارتمان‌نشینی

ساکنان باید فقط در محل‌های تعیین شده پارک شود. ورود هرگونه وسیله نقلیه مهمان و شستن، تعمیر و تعویض روغن و وسایل نقلیه در داخل مجتمع، ممنوع است.

- ۴- انبار آپارتمان‌ها مختص نگهداری وسایل شخصی ساکنان است. استفاده تجاری و اجاره آن به دیگران ممنوع است، مگر با اجازه اهالی مجتمع و با اطلاع مدیر ساختمان.
- ۵- هرگونه تغییر در سردر یا بالکن‌های اختصاصی ممنوع است مگر با توافق اکثریت مالکان.
- ۶- نصب هرگونه آنتن قابل رؤیت بر روی نمایا در بالکن ساختمان، بدون اجازه مدیر ساختمان ممنوع است.